

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق
۲۰ سپتمبر ۲۰۲۲



محمد محق

بازار گرم سندفروشی در معارف طالبان

معارف افغانستان، با توجه به معیارهای جهان امروز، از دیرباز کاستی‌های فراوانی داشت و اکنون با تسلط طالبان به حالت نزع و جان دادن افتاده است. بحران معارف در افغانستان یکی از عمیق‌ترین بحران‌های انسانی در این کشور است که آینده تمام ملت را در معرض تهدید مستقیم قرار می‌دهد. گذشته از محرومیت میلیون‌ها دختر افغانستان از آموزش، فاجعه‌های دیگری نیز در این یک سال اتفاق افتاده است که پیامدهای ویران‌گر آن برای دانش و فرهنگ این سرزمین کمرشکن خواهد بود. یکی از آن‌ها رونق گرفتن بازار سندسازی و سندفروشی است، به ویژه برای ملایان کم‌سواد و بی‌سوادی که تحصیلات رسمی ندارند، اما با واسطه‌بازی یا با پول و امتحان نمایشی به مدارک رسمی دست پیدا می‌کنند تا در مناصب بلند دولتی قرار بگیرند.

طالبان از همان آغاز با آموزش مدرن سر دشمنی داشتند و آن را سرچشمه انحراف عقیدتی می‌شمردند. به تصور آنان، تنها نظام آموزشی بی‌عیب و قابل قبول، آموزش سنتی به سلیقه ملاحی پاکستانی بود که خودشان در آن‌ها درس خوانده بودند. اما از نظر متخصصان علوم تربیتی، مدارس طالبان علاوه بر بیهودگی بخشی از آموزش‌ها و ناکارآمدی آن‌ها در جهان جدید، آسیب‌های روانی عمیقی نیز به کودکان و نوجوانان وارد می‌کند که پیامدهای آن تا پایان عمرشان بر جا می‌ماند. بدبینی طالبان به آموزش‌های مدرن باعث شد که در نوبت پیشین حاکمیت شان، فضای امنی را که لازمه شکوفایی نظام آموزشی است زیر سایه رعب و خفقان قرار بدهند، تا شمار فراوانی از استادان و شاگردان ناچار به ترک مکتب شوند. همچنان، با تحمیل کتاب‌های ملای بر نظام آموزشی مکاتب، محتوای عصری آن‌ها را بی‌رمق گردانیده و به مرگ تدریجی گرفتار کردند. طالبان اگرچه اکنون نیز آرزو دارند که تمام مکاتب آموزشی را ببندند و افغانستان را به سرزمین ملاح تبدیل کنند، اما تجربه بیست ساله جمهوریت که سطح آگاهی مردم را بالاتر برده است اجازه تکرار تجربه پیشین را به آنان نمی‌دهد و ناچارند که به ظاهر مکاتب را دست کم برای پسران باز نگه دارند. با

این هم تلاش آنان برای در هم شکستن آموزش مدرن ادامه دارد و یکی از گام‌ها در این مسیر تحمیل هژمونی و چیرگی مالاها بر نظام آموزشی است. برای این کار، آنان به توزیع اسناد ساختگی برای هزاران ملای مکتب نرفته پرداخته‌اند تا در نهادهای دولتی جا به جا شده، نیروهای متخصص را به تدریج حذف کنند.

این میدان دادن به مالاها و وابسته به طالبان در عرصه معارف فرصت بی‌نظیری در اختیار آنان نهاده است که افزون بر حمایت غیر قانونی از هم‌مسلمان بی‌سواد خود، راهی به خورد و برد مالی نیز از فروش این اسناد پیدا کنند. برای نمونه، گزارش‌ها از غرب کشور نشان می‌دهد که در یک سال گذشته تنها در هرات بیش از دو هزار سند تحصیلی ساختگی به مالاها توزیع شده است. در شمال کشور، در ولایت تخار اسناد تحصیلی "مولوی‌گری" به سه هزار افغانی و ملائی عادی به یک هزار افغانی به فروش می‌رسد. در دیگر ولایت‌ها نیز وضعیت مشابهی جریان دارد. طبق گواهی منابع محلی، شماری از آنان می‌گویند چنین فرصت طلائی دو باره آمدنی نیست و باید بیش‌ترین سود ممکن را از آن برد. افزون بر گسترش فساد مالی در نظام دینی طالبان، فاجعه‌ای گسترده متوجه کلیت نظام آموزشی و تخصصی کشور است که آن را در حالت نزع و احتضار قرار خواهد داد. در رژیم دموکراتیک حزب خلق "ضابط‌های ماشینی" فراوان شده بود، در نظام طالبان در نوبت نخست شاهد ظهور پوهاندهای ماشینی بودیم و اکنون با پدیده‌ی رو به رشد مولوی‌های ماشینی رو به رو هستیم که در باره جان و مال مردم فتوا صادر کنند و با هست و بود یک سرزمین قمار بزنند.